

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۴۹۳۷ و ۱۲ صفحه ۸۸۹۲۵۶۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترک‌کین: ۳۵۸-۸۸۹۰۳۵۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترت

سه‌شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۳ • ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ • ۱ اکتبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۳۷ و ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب فردا ۱۸:۰۶ • اذان صبح فردا ۴:۳۷ • طلوع آفتاب ۶:۰۰

www.sharghdaily.com



aparāt:tasvirshargh



Telegram:SharghDaily



youtube:sharghdaily



twitter:sharghdaily



instagram:sharghdaily1



در عملیات مشترک پلیس تهران بزرگ و قم، هفت لیدر اصلی یک شرکت هرمی که به بهانه کار افراد را فریب داده و در مخفیگاه‌های خود زندانی می‌کردند، دستگیر شدند.

عکس: امین جلالی، ایرنا

### اتفاق خوانی

## سقف خانه آیت‌الله طالقانی ریخت

### فاطمه‌علی‌اصغر

سقف خانه آیت‌الله طالقانی، یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های انقلاب، یکشنبه‌شب با

صدای مهیبی فروریخت. این اتفاق هم‌زمان با بارش اولین باران پاییزی رخ داد. این خانه ۷۰ساله که در سال ۷۶ از سوی شهرداری خریداری شده و قرار بود تبدیل به خانه‌موزه شود. اکنون ویرانه‌ای بیش نیست. اگرچه در یک دوره‌ای این خانه مرمت و به عنوان کتابخانه استفاده می‌شد، اما نزدیک به دو، سه سالی است که درش به بهانه مرمت و بازسازی بسته و تبدیل به بیغوله شده است و هر روز بیشتر به سوی ویرانی کامل می‌رود. این در حالی است که خانواده طالقانی این شرایط را خلاف وعده‌های شهرداری می‌دانند و به‌شدت آن را محکوم می‌کنند. طاهره طالقانی از خواسته صریح و روشن خود می‌گوید: «شهرداری باید امانت‌دار باشد. خانه را ساماندهی کند و کتاب‌های به تاراج رفته آن را برگرداند.»

**کتاب‌های در دست‌فروشی‌ها**

این خانه در بیچ ششمیران، خیابان نورمحمدی، کوچه طالقانی قرار دارد. در زمان شهرداری غلامرضا کبراسچی خریداری و بعدها کتابخانه آن راه‌اندازی شد و بسیاری از مردم به‌ویژه دانشجویان به آن مراجعه می‌کردند. اما اکنون طاهره طالقانی، دختر آیت‌الله طالقانی، فریاد دادخواهی بلند کرده و می‌گوید: «کتاب‌های این کتابخانه اکنون غارت شده و سر از دست‌فروشی‌ها درآورده است.» او به صورت مشخص از مسئولان مربوطه می‌خواهد که به این مسئله ورود کنند: «ما انتظار داریم خانه پدر که زمانی مامن مردم در دوره‌های مختلف تاریخی ایران بوده و مرکز رفت‌وآمد، همچنان باید محل رجوع مردم باشد و از آن بهره‌برداری فرهنگی شود، نه اینکه بیغوله شده تا ویران شود.»

**خانه ثبت ملی نیست!**

یکی از ابهاماتی که درباره خانه طالقانی وجود دارد این است که تاکنون ثبت ملی نشده. این در حالی است که در آن زمان که شهرداری خانه‌های تاریخی را خریداری می‌کرد، مانند خانه جلال آل‌احمد و سمین دانشور، باید این خانه ۷۰ساله ثبت ملی می‌شد. بسیاری از کارشناسان میراث تأکید می‌کنند مسئولان میراث فرهنگی باید در زمینه این کوتاهی پاسخگو باشند. خواسته طاهره طالقانی این است: «اگر قرار نیست از این خانه مراقبت شود و محلی برای رجوع مردم باشد، آن را به خودمان بدهند تا زیر نظر فرزندان‌اش اداره شود.»

او تأکید می‌کند: «ما فقط در همین یکی، دو سال اخیر از خانه بی خبر بودیم. بعد متوجه شدیم که در آن را به بهانه مرمت و بازسازی بسته‌اند. همسایه‌ها ما به ما گفتند که هیچ نشانه‌هایی مبنی بر بازسازی دیده نمی‌شود. بعد از آن در کتابخانه‌اش را بستند. اخیراً شنیدیم که در شکسته شده و کتاب‌ها به غارت رفته و سر از دست‌فروش‌ها درآورده‌اند.» این کتاب‌ها همه مهر کتابخانه طالقانی را دارد و هنوز مبهم است که چگونه به غارت رفته‌ای. اما طاهره طالقانی این امر را غیرقانونی دانسته و می‌گوید: «ما انتظار داشتیم این امر را غیرقانونی این خانه نگهداری کنند و شهرداری باید امانت‌دار باشد. این خانه ۷۰ساله است و بخشی از حافظه ملت در آن رقم خورده است.» مسئول این است که چطور این خانه به‌جای رسیدگی، به حال خود رها شده و چنین شرایطی پیدا کرده است؟ شهرداری باید در این زمینه پاسخگو باشد و خانواده طالقانی از اعضای شورای شهر می‌خواهند این موضوع را مورد پیگیری قرار دهند. از سوی دیگر، مسئولان میراث فرهنگی زیر تیغ این سؤال قرار می‌گیرند: چطور ممکن است یکی از مهم‌ترین بناهای موسوم به «خانه مشاهیر» این‌گونه رها شده و اقدامی برای ثبت ملی و ساماندهی آن انجام نشود؟ پیش‌ازاین، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران تأکید کرده بود: «خانه آیت‌الله طالقانی و خانه حضرت امام(ره) دو مکان تاریخ‌ساز و معتبر در تاریخ انقلاب اسلامی است و در پی درخواست خانواده مرحوم آیت‌الله طالقانی از شهرداری و ریاست سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران می‌خواهم طرف مدت کوتاهی منزل مرحوم آیت‌الله طالقانی را به خانه‌موزه تبدیل کنند.» سؤال اینجاست که چرا تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده و چرا مسئولان شهرداری در این زمینه نتها تعلل می‌کنند، بلکه چنان ناامانت‌داری کرده‌اند که خانه به ویرانی رفته و کتابخانه‌اش غارت شده است؟

# صدای حاکمیت یا بلندگوی افراط؟



**قادر باستانی**

**پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری**

شوراها، اغلب به خط خبری مطلوب جناح انقلابی و تلاش در جانداختن برخی انگاره‌ها نزد افکار عمومی اختصاص دارد و توجه به درستی خبر و اعتبار منبع و اعتماد مخاطب، در درجات بعدی قرار می‌گیرد.

برای مثال، در پوشش اخبار سفر مسعود پزشکیان به نیویورک، خطمشی روشن آنها پیداکردن کاف و بزرگ‌نمایی آن و حاشیه‌سازی بود. جو عمومی پیام‌رسان‌هایی مثل ایثا و ویراستی، حملات مستمر به رئیس‌جمهور، از رسانه‌های موصوف تغذیه می‌شد. در اخبار غزه و لبنان و جنایات فاجعه‌بار و بی‌سابقه اسرائیل هم به نظر می‌رسد خط خبری آنها فشار مستمر به مسئولان برای ورود عملی و مستقیم به جنگ بوده است. برخی خیال می‌کنند سرمنشا اصلی همه اینها از یک ناحیه تغذیه می‌شود و آن خط مورد تأیید و تأکید نظام است. اما تحلیل محتوای اخبار، خلاف آن را نشان می‌دهد و در برخی از موارد اصلی، خط خبری حتی در خط خلاف مواضع و سیاست‌های مطرح رسانه‌های تند اصلاح‌طلب، جناح اصولگرا احساس کرد انقلابی باید گفت بنای اصلی بسیاری از این بنگاه‌های خبری، از ابتدا نادرست نهاده شده و مسیر اشتباهی پیموده شده است. بعد از انتخابات دوم خرداد ۷۶ و سربرآوردن رسانه‌های تند اصلاح‌طلب، جناح اصولگرا احساس کرد در صحنه رسانه دچار کاستی بزرگی است و شروع به خلق بنگاه‌های خبری بزرگ و قدرتمند کرد. این رسانه‌ها از ابتدا، فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، رعایت اصول علمی، توجه به حفظ اعتبار خود و جلب اعتماد مخاطبان عام نکردند و به تدریج سبیه نشریه ارگان حزبی شدند. به همین جهت، با وجود هزینه بسیار، سردمداران جناح متبوع از این همه هزینه گزاف حاصلی نگرفتند و در صحنه واقعی و جلب نظر افکار عمومی ناکام ماندند.

#### زمین‌خوانی

## ایمنی فراموش شده کارگران معادن



**مهدی زارع**

تن در سال از معادن خود استخراج می‌کند. بقیه وارداتی است که اغلب در کارخانه‌های فولاد کشور مصرف می‌شود. دوهزارو ۲۵۰ کارگر مستقیم و حدود ۱۰ هزار نفر به صورت غیرمستقیم در این مجموعه کار می‌کنند. ۷۶ درصد از تولید زغال‌سنگ کشور در همین زغال‌سنگ طبس صورت می‌گیرد. هشت شرکت بزرگ ازجمله معدنچو مشغول بهره‌برداری از زغال در این حوزه هستند. ۸۶ درصد از ظرفیت زغال‌سنگ غرب آسیا در ایران قرار دارد که از این میزان بیش از ۷۶ درصد معادن آن در طبس واقع شده و «معدنچو» ربه دوم این معادن را دارد. ۷۸ معدن در طبس وجود دارد که هنوز بسیاری از آنها به صورت سنتی و برداشت با بیل و کلنگ به جای ماشین‌آلات فعالیت می‌کنند. ۷۵ درصد از معدنکاران ایران در شرایط «نامن» مشغول کار هستند. بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۰ تنها ۲۳ درصد از شاخص هزارو ۲۵ معدن در کل کشور، واحد بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) داشتند. در سال ۱۳۹۶ از پنج هزارو ۳۵۳ معدن فعال در کشور، ۲/۱۴ درصد از آنها واحد HSE داشته‌اند که این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۴/۲۳ درصد رسید. حادثه معدن طبس شامگاه شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ بر اثر انفجار گاز متان در دو بلوک B و C شرکت معدنچو رخ داد. مرگ‌ومیر ناشی از سوانح معدنی در ایران به پایش ضعیف ایمنی و فقدان قابلیت‌های پاسخ اضطراری مربوط است. در سال ۱۳۹۶، ۴۲ نفر در انفجاری مشابه جان باختند.

شهرنیور ۱۴۰۲ انفجاری در معدن زغال‌سنگ در شمال شهر دامغان

## ۴۰ هزار وام

دیروز خبری منتشر شد که در آن وعده داده شده بود ۴۰ هزار وام واریز می‌شود. این وام‌ها دومین مرحله پرداخت این تسهیلات به تعداد ۴۰ هزار قفره، به حساب بازنشستگان واجد شرایط است. مبلغ این تسهیلات پیش از این هر قفره ۲۰۰ میلیون ریال بود که با انعقاد تفاهم‌نامه به هر قفره ۳۰۰ میلیون ریال افزایش یافت.

### هنرخوانی

## پایان ۴۲ سال همکاری

اسطوره همکاری سه نفر از پیش‌کسوتان عرصه سینما و رسانه به پایان رسید.

سه سال پیش بود که با مرگ «مسعود مهربانی»، مدیرمسئول ماهنامه فیلم، یاران به‌جامانده «عباس یاری» و «هوشنگ گلמکانی» ماهنامه‌ای دیگر را با نام «فیلم امروز» منتشر کردند. حالا عباس یاری در متنی خبر از خداحافظی خود از این نشریه و این همکاری داده است.

**تغییر سلیقه**

او متن خود را با خداحافظی از رفا آغاز کرده و تغییر سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها را دلیل این جدایی دانسته است. او نوشته است: «با تأسف بسیار بعد از ۴۲ سال که عمر و جوانی‌ام را برای مشارکت در انتشار مجله فیلم کتاب سال فیلم، اینترنشنال، تقویم سینمایی مجله فیلم امروز و کتاب گذاشتم و امسال همچنین برای ساخت و تجهیز استودیوهای این واحد مطبوعاتی هزینه کرده بودم از آن جدا شدم. مجموعه فرهنگی آبرومندی که طی تمامی این سال‌ها در دام هیچ حزب و گروه و دسته و بانددی نیفتاد و با آرامش و حمایت خوانندگان عاشق و نویسندگان صمیمی‌اش به راهش ادامه داد و شیفندگان بسیاری داشت، همه می‌دانند که در تمام این سال‌ها شخصا دنبال هیچ رانتی نبوده‌ام و ورود به کار شخصی و غیرمطبوعاتی خط قرمزم بوده است. به‌رحال شریکم جناب گلمکانی اعتقاد دارند سلیقه و نگاه ما با هم جور نیست، چون زمانه عوض شده و باید شیوه‌ااره این واحد مطبوعاتی هم تغییر کند و ایشان در تمام زمینه‌ها شخصا تصمیم‌گیری کنند.» او نوشته است: «حالا که بعد از چهل‌ودو سال تانام را ترک می‌کنم، وجدانم راحت است؛ چراکه همه می‌دانند با تمام وجود عمر و جوانی‌ام را در خدمت به این مجموعه و تربیت نیروهای کارآمد آن گذاشتم. البته ما در ابتدای بنیان‌گذاری فیلم امروز، مثل گذشته طی اقرارنامه‌ای متعهد شدیم که در امور معنوی و مالی آن شریک باشیم اما با گذر زمان نگاه شریکم به‌تدریج تغییر کرد و من هم برای آنکه سسدی در برابر موفقیت‌های بیشتر این کانون خوشننام مطبوعاتی نباشم، قلمم را در خانه‌ام جا گذاشتم و بعد از چهل‌ودو سال از این کشتی پیاده شدم. در دوره اول فقط یک زنده‌یاد مهربانی و نگاه سیاسی وارث او باعث ترمزی در ادامه راه شد.»

**روزگار بمب و موشک‌باران**

او در پایان آرزو کرده است «این واحد مطبوعاتی با کناررفتن شریک سوم با مدیریت مستقل آقای گلمکانی موفق‌تر از گذشته به راهش ادامه دهد.» عباس یاری از خاطرات گذشته خود یاد کرده و نوشته است: «به دستان پر مهر شما که سال‌ها با شور و مهر در کنارمان بوده‌اید بوسه می‌زنم و به گذشته‌ای که در شرایط جنگ و موشک‌باران و بمب و تحریم و بی‌کاغذی و بی‌پولی با تمامی ناسازگاری‌ها مشکلات را پشت سر گذاشتیم، افتخار می‌کنم. هرچند همان زمان هم فشارهای کشنده‌ای را برای حفظ این مشارکت تحمل کردم و مانع فروپاشی آن شدم. اعتراف می‌کنم که این جدایی‌ای برایم مثل یکی از غریزانم تلخ است، اما گویی یک پایان تلخ بهتر از تلخی بی‌پایان است.»

**تجربه ایرانی**

برای بسیاری از علاقه‌مندان سینما ماهنامه فیلم یکی از تأثیرگذارترین نشریات و منابعی بود که ارتباطشان را با هنر هفتم برقرار می‌کرد. این نشریه از سال ۱۳۶۱ با نام دیگری فعالیت خود را آغاز کرد و در همه این سال‌ها تلاش داشت که جای خالی کمبودها را پر کند. دست‌اندرکاران عرصه مطبوعات می‌دانند انتشار یک نشریه با سابقه‌ای چنددهه‌ای چقدر سخت و دشوار است. چقدر انرژی می‌برد تا بدون کمک نهادهای و در بخش خصوصی باقرنشه و فرایگر شود. تجربه همراهی سه نام هوشنگ گلمکانی، عباس یاری و مسعود مهربانی می‌توانست برای ما این جای خالی را پر کند که امکان پایداری مؤسسات فرهنگی وجود دارد، اما حالا با شکست این تجربه سؤالات زیادی مطرح است؛ اینکه چرا مجلاتی مثل کایه‌دوسینما عمری ۸ساله دارند و نشریات ایرانی خیر؟

**یک معلم دلسوز**

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی پیش‌بینی کرد برای سال آینده ۴۲ هزار مگاوات کسری برق داشته باشیم. این در حالی است که در یک نیروگاه، ۱۷ میلیارد دلار سوخت مایع مصرف می‌شود؛ یعنی ما در تابستان و زمستان مشکل سوخت داریم. ناترازی برق نیز معضلی پابرجاست. دولت چهاردهم موظف است ۱۰ هزار مگاوات برق در چهار سال محقق کند.

## ۲۴ هزار مگاوات

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی پیش‌بینی کرد برای سال آینده ۴۲ هزار مگاوات کسری برق داشته باشیم. این در حالی است که در یک نیروگاه، ۱۷ میلیارد دلار سوخت مایع مصرف می‌شود؛ یعنی ما در تابستان و زمستان مشکل سوخت داریم. ناترازی برق نیز معضلی پابرجاست. دولت چهاردهم موظف است ۱۰ هزار مگاوات برق در چهار سال محقق کند.